

جان برای نان؛ کشاکش رنج و گنج

بسیاری از مردم مناطق مرزی غرب کشور به دنبال مجرای برای ادامه زندگی و از سر ناچاری کوتاه‌ترین و خطرناکترین مسیر یعنی کولبری را برگزیده‌اند آنانی که تمام عمرشان برای پاسداری این مرز و بوم جنگیدند اما امروزه کمترین سهمی از عواید و نعمات مرزی نبرده‌اند.

اگرچه پدیده کولبری برای هیچ گروه انسانی امری پسندیده و خوشایند نیست، اما کولبر و کولبری دو مولفه اصلی زندگی برای بخشی از مردمان مرزنشین در غرب کشور است، آمارهای رسمی تعداد کولبران را ۸۰ تا ۱۷۰ هزار نفر اعلام کرده‌اند.

طبق آمار ارائه شده، بانه، مریوان و سقز در استان کردستان، سردشت و اشنویه در آذربایجان غربی، نوسود و پاوه در استان کرمانشاه بیشترین تعداد کولبران را دارند بنابراین کولبری اگرچه عرصه رنج و مخاطرات است اما از سوی تعدادی از ساکنان مناطق مرزی در پاسخ به شرایط اضطرار برگزیده شده است، تداوم کولبری، مناسبات سلطه را زیر سوال می‌برد و در عین حال ناکارآمدی سیاست‌های توسعه‌ای را نمایان می‌سازد.

کولبری در مناطق مرزی غرب کشور به دلیل فقر و کمبود امکانات و خدمات اساسی، به یک راه‌اندازی برای بقا تبدیل شده است. هیرش قادرزاده و احمد غیاثوند در پژوهشی با عنوان «کشاکش رنج و گنج» [۱] درصدد تامل در این مساله هستند که میدان کولبری، چگونه نابرابری‌ها و تعارض منافع موجود در میدان تجارت مرزی را بازنمایی می‌کند و کنشگران موجود در آن چرا نقش بسزایی در بازتولید آن دارند همچنین در نظر دارند تا به میانجی توصیف میدان کولبری به واکاوی سازوکارهای حفظ سرمایه از سوی بازیگران فرادست غیرنهادی و نحوه مواجهه با کولبری بپردازند.

در ادامه گزیده‌ای از آن را می‌خوانیم؛

چه مشخصه‌هایی بر میدان کولبری حاکم است؟

الف: مناسبات اقتدارگرایانه استثمارگرایانه: در میدان کولبری قدرت از بالا به پایین اعمال شده و آزادی عمل کولبر به شدت محدود می‌شود. در این روابط بیشترین بهره‌کشی از نیروی کار کولبر صورت می‌پذیرد. در چنین مناسباتی ضمانت‌چی قدرت کاملی در به کارگیری و

اخراج کولبران دارد. در همین رابطه یکی از کولبران تحصیلکرده می‌گوید: «تعهدی به ما ندارند، دوست داشته باشند به راحتی میتونند مارو دک کنند. ضمانتچی با کولبران بحث نم‌کنند، چون معتقد هستند با کولبران که صحبت بکنی انتظارات بیشتری پیدا میکنند، خودمانی میشوند. از نظر آنها کولبر خوب کولبریه که سر به زیر باشه، کار خودش رو انجام بده سوال نپرسه و هر چی گفتیم بگه چشم.»

ب: طرح‌ریزی یک سویه فرایند کولبری: ساختار اقتدار -
استثمارگرایانه کولبری از طریق تضعیف قدرت و توانایی جمعی کولبران، در عمل مانع از مشارکت آنان در طرحی فرایند کار می‌شود. در ساختارهای غیرمشارکتی و اقتدارگرایانه مانند کولبری طراحی فرایندکار توسط فرادستانی نظیر ضمانتچی، حق مطلق تلقی می‌شود. حتی که در عمل به بهای نادیده گرفتن نیازهای کولبران و خطرات احتمالی اعمال می‌شود. بسیاری از حوادث کولبری نتیجه طراحی یک سویه‌ای است که ضمانتچی تنها با هدف سالم تحویل دادن کالا به صاحب‌بار، انجام می‌دهد.

ج: غیاب عاملیت جمعی: کولبران فاقد توانمندی مستقل گروهی برای کنش بر اساس اراده خودشان و نمایندگانی مطلع و مطمئن هستند. این امر بیش از هر چیز از جایگاه مبهم کولبری در نظام حقوقی و انزوای قانونی و نهادی آنان سرچشمه می‌گیرد.

د: توزیع ناعادلانه سود و خطر: ماهیت روابط اقتدارگرایانه استثمارگرایانه موجود در میدان سبب شده سود و خطر میان افراد و گروه‌های مختلف به شیوه‌ای نابرابر تقسیم شود. این توزیع نابرابر به موقعیت و قرار گرفتن در سلسله مراتب میدان بستگی دارد.

در این زمینه می‌گوید: «در کولبری اغلب ضمانتچی با تلفن امورات را به زیر مجموعه‌هایش اطلاع می‌دهد. وقتی حس کنه خطر وجود دارد، اصلاً نمیاد. صاحب‌بار هم اصلاً به مرز نمی‌آید. در خانه‌اش نشسته و منتظر رسیدن بارش است.» کولبران در میدان برخلاف صاحب‌بار، ضمانتچی و زیرمجموعه‌هایش در معرض تمامی خطرهای ممکن قرار دارند، از جانب آنان نیز مورد بهره‌کشی قرار گرفته و به رغم خطرهای احتمالی، دستمزد ناچیزی دریافت می‌کنند.

ه: تقدم کول بر کولبر: اولویت کول (کالا) بر کولبر از دیگر

مشخصه‌های میدان تجارت مرزی است. نگرانی صاحبان سرمایه در جهت از دست ندادن و خارج شدن سرمایه از چرخه کسب و کار سبب شده تا افزایش سود و دریافت سالم کالا به محور اصلی تصمیم‌گیری‌ها در میدان مبدل شود. بر همین اساس این افراد با هدف افزایش سودآوری به حذف هزینه‌ها و اقدامات مربوط به سلامتی روی می‌آورند. در میدان تجارت مرزی نیروی کار ارزان راه را برای گسترش چنین امری هموار کرده است.

بازیگران فرادست از چه رویه‌هایی برای تداوم کولبری بهره می‌برند؟

الف) شایسته‌نمایی موقعیت: یکی از سازوکارهای حفظ سرمایه، احساس و ادعای شایستگی است که بازیگران فرادست غیرنهادی درباره جایگاه خود دارند. احساسی که فرد خود را مستحق می‌داند به وی احترام بگذارد، او را به رسمیت بشناسد و اجر نهد. این دسته از افراد معتقدند به مردم خدمت لازم را انجام داده و استحقاق تکریم و برخورداری از موقعیت مناسب را در جامعه دارند، اما همزمان از قدرشناسی تعدادی از مردم نیز گلایه دارند. یکی از سرمایه‌داران در این زمینه می‌گوید: «اگه ما نبودیم کولبری هم نبود که مردم انجام دهند. اتفاقاً باید از سرمایه‌دار تشکر کنند ما کاری رو اینجا انجام دادیم که دولت برای مردم منطقه انجام نداده است.»

ب) رویت ناپذیری: بنا به گفته‌های مصاحبه‌شوندگان، در میدان بویژه در مواقع فوت کولبران و در مجالس ترحیم اسمی از صاحب‌بار آورده نمی‌شود. به همین خاطر این افراد چیزی را به اشغال در می‌آورند که روزنبلوم و تراویس آن را جایگاه نامشخص و بینشان می‌نامند.

منظور آنها از این عبارت این است که افراد در مقولات نامشخص، نیاز ندارند هیچ توضیح خاصی بدهند بر مبنای یافته‌ها صاحب‌بار یا تاجر هیچگونه ارتباطی با کولبر ندارد و کولبر هم اطلاعی در این زمینه که بار متعلق به چه کسی (بومی و غیربومی) است، ندارد.

در این میان، کولبران و صاحب‌بارها در مواجهه با یکدیگر، به گونه‌ای رفتار می‌کنند که هیچ‌کس را درگیر نمی‌کند. کولبران سعی می‌کنند تا حد امکان از اطلاع‌رسانی خودداری کنند و صاحب‌بارها نیز سعی می‌کنند تا حد امکان از اطلاع‌رسانی خودداری کنند. در بسیاری اوقات کولبر حتی اطلاعی از محتوای واقعی کوله‌هایی که حمل می‌کند نیز ندارد. اصولاً صاحب‌بارهای

بومی نیز از تعامل با کولبران پرهیز می‌کنند و همواره نوعی فاصله میان این دو و حفظ جایگاه طبقاتی وجود دارد. صاحبان بار نیز هیچ شناختی از کولبرانی که کالاهایشان را حمل می‌کنند، ندارند. بنابراین می‌توان گفت نامرئی بودن و عدم حضور سرمایه‌دار در میدان احتمال کمترین خسارت مالی و جانی را برای وی به همراه دارد.

ج) طبیعی‌نمایی موقعیت: در این سازوکار، به جای آنکه تمایز و تفاوت موقعیت به مثابه برساخت اجتماعی در نظر گرفته شود، سلسله مراتب اجتماعی را امری طبیعی و بدون ارتباط و وابستگی آنها به روابط قدرت تلقی می‌کنند. یکی از تاجران عمده در این زمینه می‌گوید «اگه کولبری بخواد بازرگان بشه به شخص خودش برمیگرده. این نتیجه توانایی و دستاوردهای شخصیه. اگه بازرگان نشد تقصیر خودش بوده، وضعیت موجود هم ناشی از تلاش و ریسک-پذیری افراد در بازار است.»

د) شکستن استتار؛ پیشروی خزنده: همزمان که در میدان تجارت مرزی، بازیگران فرادست دارای مشخصه گمنامی هستند در ابعاد رسمی و غیررسمی جامعه پیشروی‌هایی داشته‌اند. بر مبنای مصاحبه‌های میدانی، این افراد در بعد رسمی ضمن وابستگی و ارتباط با نهادهای قدرت، ضمن در نظر گرفتن منافعشان بر سیاست‌گذاری‌های منطقه تاثیر گذاشته و به عنوان معتمدان محلی مطرح شده‌اند. همچنین در بعد غیررسمی با در دست داشتن نبض بازار بر قیمت‌های اجاره بهای خانه‌ها و مغازه‌ها، قیمت زمین و مسکن، قیمت کول و ضمانت تاثیرگذار هستند.

کولبران، کولبری را برطبق چه مناسباتی می‌پذیرند؟

الف) پذیرش سازشکارانه: شخص کولبر همزمان که کولبری را به عنوان یک شغل برگزیده، فرادستی دیگران را نیز پذیرفته است و به جهت ناکارآمدی سیستم دولتی در تامین اشتغال پایدار به میدان کولبری پناه آورده است. یکی از کولبران می‌گوید: «مجبوری نقش بازی کنی وقتی زندگیت در دست یک مامور یا سربازه چیکار باید بکنی؟ مجبوری به هر ساز برقصی.»

ب) تحمل پذیرساختن خطرات: حیات کولبران از زیست سیاسی و کرامتی جدا شده و به جان محض کاهش یافته است؛ حیاتی که از حمایت‌های قانونی و اجتماعی طرد و دچار نوعی بی‌پناهی می‌شود. در این حالت تنها چیزی که برای کولبر باقی می‌ماند تقلا برای بقا و به کار بستن شیوه‌هایی برای تاب آوری و تحمل پذیرساختن مخاطرات است. آنها در

